

نشریه فرهنگی سیاسی فردایی دیگر (آواهای سابق)

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی

شماره نهم - اسفند ماه ۱۴۰۰

سرور



بسیج دانشجویی  
دانشگاه شهید بهشتی  
اقتصاد و علوم سیاسی

مدیر مسئول: علیرضا شاه محمدی

سر دبیر: عاطفه عبدی

صفحه آرا: صبا ابراهیمیان آهنگر

هیئت تحریریه: علیرضا سلیمانی، عاطفه ممتقی، مهیار کیونام، مجاد لطفی، سید حسین پیرجانی، ریحانه رخی، سید حسن پیرجانی



اشاره شد ، دلیل این نزدیکی ، دوری از دیگران بوده است ، حال آنکه سیاست خارجی محل تامین منافع ملی و نگاه تعادلی به روابط با کشورهای متفاوت است. همچنین این روابط باید جامع باشد و نگاه صرف امنیتی یا حتی اقتصادی میتواند آسیب زا باشد. از همین روی قرارداد راهبردی ۲۰ ساله تهران-مسکو حائز اهمیت است ، هر چند اطلاعات دقیقی از مفاد این قرارداد در دسترس نیست اما امید به یک نگاه بلند مدت و افق چشم انداز در راستای منافع ملی بیش از پیش است ، لکن با توجه به اعلام قبلی در ارتباط با احتمال امضای این قرارداد در سفر ریاست جمهوری ایران به مسکو و عدم رخداد این اتفاق با توجه به روایت رسمی ، میتوان این وجه را از نقاط ضعف سفر رئیسی به مسکو دانست. لازم به ذکر است منابع غیر رسمی از گفتگوهای موثری در ارتباط با این قرارداد خبر داده‌اند اما من به روایت رسمی اکتفا میکنم.

در این نوشتار با فاصله گیری از حاشیه‌های بیشمار مطرح شده ، و اکثرا بی‌اهمیت، دیدگاهی واقع‌گرایانه به موضوع داشته و سعی در ارائه تحلیلی بر اساس حقایق داریم. برای بررسی سفر ابراهیم رئیسی ، اهمیت آن ، دستاوردها ، نقاط ضعف و... باید جوانب متفاوتی از رابطه ایران و روسیه را بررسی کرد.

اهداف رئیسی در این سفر را در قالب ثمرات کوتاه مدت و بلند مدت میتوان دسته بندی کرد. در ارتباط با اهداف بلند مدت لازم به اشاره به چند نکته است.

نگاه ایران به رابطه با کشورهای غیر غربی (اعم از چین و روسیه) بیشتر از نوع اهرم فشار به غرب بوده و عدم داشتن دید راهبردی و افق چشم انداز و همچنین نگاه انفعالی از مختصات این رویه بوده است که در دولت های مختلف دیده شده است. تا زمانی که این روابط بر پایه برنامه بلند مدت نباشد مناسب نخواهد بود و همانطور که



در ارتباط با دستاورد های کوتاه مدت این سفر باید به زمان رخداد آن دقت کرد. سفر رئیس جمهور ایران در اثنای مذاکرات وین ، در راستای فرستادن پیام عدم اتکای صرف به غرب ، بر خلاف قبل ، و همچنین نزدیک شدن مواضع با روسیه به عنوان یکی از بازیگران مهم مذاکرات وین است.

همچنین یکی دیگر از دستاورد های رئیس جمهور ایران به مسکو را ، از سرگیری صادرات محصولات کشاورزی ایران به روسیه دانست که به دلایلی متوقف شده بود. هر چند بازدید مقامات روس از اماکن تولید این محصولات دلیل اصلی از سرگیری صادرات بوده است لکن همزمانی این اتفاق با سفر ابراهیم رئیسی به مسکو را نمیتوان بی مناسبت دانست.

در این جا لازم به اشاره میدانم که در مدت این سفر قراردادهای متفاوتی در حوزه های نفتی ، اقتصادی ، و... منعقد شده است اما به شخصه ، به دلیل وجود تعداد کثیری از این نوع قراردادهای روی کاغذ با کشورهای مختلف ، تا زمان عملیاتی شدن آنها و تبدیل آن از کاغذ به عمل ، در زمره دستاورد محسوب نمیکنم.

در ادامه مطلب اشاره به موضوع مهمی را در نظر دارم که اکثرا غافل میماند و آن هم احتیاج روسیه به ایران است. اکثرا به هنگام صحبت در رابطه با روابط تهران-مسکو تمرکز اصلی بر روی احتیاج ایران به روسیه است ، حال آنکه از مضرات این نگاه پایین آمدن اعتماد به نفس تیم های مذاکره کننده و همچنین عدم داشتن نگاه واقع گرایانه است.

با توجه به زمان و شرایط حال سه دلیل اصلی برای نیاز روسیه به ایران وجود دارد:

(۱) جمعیت قابل توجه مسلمانان روسیه ، بخصوص در استانهای جنوبی که به دلیل سوابق افراط گرایی آنها

، دولت روسیه به شدت تاثیر منطقه خاورمیانه بر آنها را درک کرده و همچنین متوجه نقش تعیین کننده ایران در این منطقه است.

(۲) با توجه تهدیدهای مکرر آمریکا در ارتباط با متوقف کردن پروژه نورد استریم و افزایش این تهدیدها با توجه به تنش های اوکراین ، آمریکا برای جایگزین کردن منبع گاز برای اروپا ، به قطر به عنوان یک گزینه مهم نگاه میکند و سفر بایدن به قطر در روزهای گذشته و اشاره به مقامات قطری به عنوان یکی از مهمترین هم پیمانان آمریکا را در این راستا ارزیابی کرد. با توجه به اینکه روسیه صادرات گاز خود به اروپا را اهرم فشاری مهم دانسته است ، برای مقابله با این گزینه آمریکا ، به دنبال استفاده از ظرفیت دیپلماتیک و حتی امنیتی ایران است.

(۳) کریدور شمال جنوب و ثمرات آن برای هر دو کشور مشخص است و در صورت پیوند خوردن این کریدور به کریدور شرق به غرب این ثمرات مضاعف تر میشود ، لکن هم روسیه و هم چین در پی تامین امنیت این کریدور در منطقه خاورمیانه هستند و به دلیل نداشتن امکانات نظامی گسترده در این منطقه به دنبال استفاده از ظرفیت ایران و همپیمانانش برای تامین امنیت این کریدور هستند. (لازم به ذکر است آنها به ترکیه و همپیمانانش نیز توجه دارند اما به دلیل سابقه اخوانی و افراطگرایی در گروه های همپیمان ترکیه و ترس از تاثیر گذاری بر روی گروه های داخلی ، نگاه به ایران به نظر گسترده تر خواهد بود)

در آخر لازم به ذکر میدانم که میدان سیاست خارجی جایگاه در نظر گرفتن منافع ملی است و این امر فقط با نگاه واقع بینانه به جایگاه خود ، داشتن برنامه بلند مدت و افق چشم انداز حاصل میشود.



دادن نظام فکری و عملی مشخص اسلام در قرآن و سیره، نگاه مشخص و ویژه ای به جایگاه زن و مسئولیت هایش شده است.

در این متن سعی بر آن است که به تفاوت میان زن و مرد و جایگاه زن و مسئولیت ها و حدود وظایف زن در اسلام اشاره شود.

{المراه ریحانه و لیس بقهرمانه}

در نگاه کلی ای که اسلام دارد، زن همان است که در این جمله ی «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» است؛ مثل یک گل. یک گل، وجودش لازم است و نگهداری اش لوازمی دارد: وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ منظور از قهرمان، این قهرمان متعارف ما نیست، قهرمان یعنی کارگزار؛ یعنی در واقع رئیس خدمه. این جوری نیست که خانم در خانه ی شما مسئول خدمتگزاری باشد، حالا ولو به عنوان رئیس خدمه؛ قضیه این نیست. وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ قهرمان در تعبیرات عربی و در اصطلاحات رایج ادبیات عرب عبارت است از آن کسی که ملک شما را برایتان اداره میکند؛ یعنی کارهایتان را انجام میدهد؛ وقتی شما صاحب یک ملکی هستید، یک قهرمانی دارید؛ میگوید زن این جوری نیست. حالا شما ببینید اگر در یک خانواده ای، در یک

اشاره به زن یعنی اشاره به یک جنسیت متمایز از جنس دیگر (مرد). که این مطلب طبیعتاً نوعی مقایسه را بین دو جنس شکل میدهد. مقایسه ی روحیات و ویژگی های خاص هر جنس و در نتیجه مسئولیت ها و کارویژه های مورد انتظار هر کدام در زندگی شخصی و جامعه.

در برابر خدا زن و مرد در انسانیت تفاوتی ندارند. {یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکریمکم اتقاکم.} (۱)

{فاستجاب لهم انی لا اضع عمل عامل منکم من ذکر و انثی بعضکم من بعض} (۲)

بلکه صرفاً از نظر ترکیب جسمی خویش تفاوت هایی دارند که این تفاوت ها منجر به تمایز در وظایف آنها شده است. تحقیقات ژنتیکی و انسان شناختی ثابت کرده که تفاوت های وجودی زن کاملاً با ترکیب وجودی مرد متفاوت است و از همان لحظات نخستین لقاح این تفاوت ها پدیدار شده و در تک تک سلول های آنها تحقق یافته و هر کدام را جهت وظایف خاصی آماده می گرداند. (۳)

اول از همه لازم است مسئله ی کارویژه مشخص شده برای زن در اسلام را با آنچه در طول زمان برای زنان در جوامع مختلف تعریف شده را مقایسه کرد..

تصور هرگونه نقشی برای زن در طول تاریخ، منوط به نگرش هایی بوده است که از بدو پیدایش زن و ورود در عرصه ی زندگی وجود داشته است؛ اصولاً پذیرفتن هرگونه حق و امتیاز برای زن در هر جامعه ای - اعم از جوامع دینی و غیر دینی - ریشه در اعتقادات، باورها و نگرش های آن جامعه نسبت به زن دارد و این امری طبیعی است، زیرا ارزش ها و معیارهای برتری را در هر جامعه ای، اعتقادات آن جامعه تعیین میکنند. (۴)

از طرفی بر اساس خلقت حکیمانه ی خداوند متعال و قرار



جامعه‌ای، به زن با این چشم نگاه بشود، اولاً تکریم او، حفظ حرمت او، برخورد ملاطفت‌آمیز با او و مسائل فراوانی که دنبالش هست، چقدر موجب میشود که زن احساس امنیت کند، احساس آرامش کند. در اسلام نگفته‌اند که زن نرود بیرون کار کند؛ اصلاً این نیست. حالا اینکه بعضی از مخالفین این گرایش اسلامی زن، فوراً می‌چسبند به اینکه شما نصف نیروی کار جامعه را معطل می‌گذارید، چنین چیزی نیست؛ کسی نگفته کار نکنند، اگر میتوانند کار کنند، کار کنند؛ منتها با این دید کار کنند، با این نگاه کار نکنند؛ کاری که به آنها محول میشود کاری باشد که با ریحانه‌بودن جور در بیاید، متناسب باشد. و البته مهم‌ترین مسئولیت زن هم کدبانویی است؛ معنای کدبانویی خدمتگزاری نیست، معنایش این است که محیط خانواده را برای فرزندان و برای همسر یک محیط امن و آرام و مهربانی میکند، با مهربانی خودش، با عزتی که در خانه برای او فرض میشود. (۵)

مسئله‌ی خانواده و تربیت افراد انسان ساز از مهم‌ترین مسائل مورد توجه اسلام در جوامع است. و اسلام روحیه‌ی ترتیب‌گری زن را مناسب این مهم میدانند.

همانطور که رهبری که مظهر علوم دینی و حکمت اندوزی در زمانه ما هستند اینچنین می‌گویند:

فرزندآوری یکی از مهمترین مجاهدتهای زنان و وظائف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل میکند، اوست که رنجهایش را می‌برد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه‌اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندامهای جسمانی اش را به آنها داده؛ در واقع این هنر زن ها است. مادر میتواند فرزندان را به بهترین وجه تربیت کند. تربیت

فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالائی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت میکنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. (۶)

از طرفی در طول تاریخ وضعیتی که زنان ما در آن بودند و الان هم متأسفانه اینچنین است در خیلی جهات- اما کمی بهتر از گذشته شده و زنان و مادران امروزی بیشتری از عزت و جایگاه والای خود آگاهند و سعی در شناخت بیشتر رسالت خود در جامعه دارند. با این حال مدام اینطور بنظر می‌آید که اسلام زنان را محصور در خانه میکند و آنها مدام باید در خدمت مردان و در خدمت اعضای خانه باشند و بشورند و بسابند و هیچ حق و حقوقی ندارند!

این یک تحریف است و نتیجه‌ی خوب نشناختن دیدگاه اسلام در اینباره است و بحث اعتقادات و عادات مرسوم در جوامع. همانطور که قبل تر هم گفته شد، هر جامعه‌ای یک سری عقایدی دارند و ممکن است مانند جوامع جاهلی نگاه خیلی منفی‌ای به زن داشته باشند. از طرفی در قرآن هم آمده که انسانها سوای از جنسیت در برابر خدا همه انسان‌اند و برتری به جنسیت نیست.

انَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۷)

اسلام فعالیت زن در جامعه را محدود نمیکند و معتقد است با حفظ قواعد و قانونی-آنها برای حفظ حرمت زن در جامعه-میتوانند فعالیت‌های مفید اجتماعی در جامعه داشته باشند.

بنا به گفته ی رهبری در یکی از سخنرانی هایشان:

یکی از مهمترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه میدانند؛ بنده عقیده ندارم به این که زنها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این میشود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهائی که داشتیم، با عدم دقت‌هایی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم میبینیم. (۸)

منابع:

۱. حجرات/۱۳

۲. آل عمران/۱۹۵

۳. عثمانی عبدالحکیم (۱۳۹۱)، {نقش اجتماعی زن در اسلام}، ندای اسلام، سال سوم، شماره ۱۱، صص. ۵۶-۵۲

۴. عثمانی عبدالحکیم (۱۳۹۱)، {نقش اجتماعی زن در اسلام}، ندای اسلام، سال سوم، شماره ۱۱، صص. ۵۶-۵۲

۵. گزیده‌ای از بیانات در دیدار هیأت امنای گروه هم‌اندیشی تحکیم خانواده، ۱۳۹۵/۰۲/۲۰

۶. بیانات رهبری در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

۷. احزاب/۳۵

۸. بیانات رهبری در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱



Inflation : تورم ، واژه ای که همه ی ما دست کم یکبار با آن برخورد داشتیم. شنیدن این واژه در اخبار یا دیدن آثار آن در اقتصاد و زندگی اجتماعی خود ، اجتناب ناپذیر است.

آثاری نظیر کاهش قدرت خرید ، کاهش ارزش پول ، افزایش قیمت کالاها و خدمات و دیگر آثار پنهانی ، همگی از تورم پدید می آیند.

در معنای لغوی ، تورم یعنی ورم کردن ؛ اما از دید علم اقتصاد و بزرگان این عرصه ، تورم به معنای افزایش قیمت کالاها یا افزایش سطح عمومی قیمت ها در یک بازه ی مشخص است.

در حالت تورم ، قیمت بعضی کالاها ممکن است ثابت باشد و یا حتی کاهش یابد ؛ تورم هنگامی وجود دارد که (میانگین) قیمت ها در جامعه افزایشی باشد.

در حالت کلی سه دسته بندی اصلی برای تورم در نظر می گیریم ، تورم خزنده ، تورم شدید و تورم بسیار شدید. منظور از تورم خزنده ، وضعیتی است که قیمت ها به طور آرام و خفیف شروع به افزایش می کنند.

در تورم شدید ، افزایش قیمت ها با سرعت بیشتری خواهد بود. این تورم در طول سال تقریباً بین ۱۵ تا ۲۵ درصد تعریف شده.

در تورم بسیار شدید ، قیمت ها در طول یک ماه ، ۵۰ درصد افزایش می یابند و سرعت افزایش بسیار بالاست. به این وضعیت گاهی ابر تورم نیز می گویند. این نوع تورم در سال ۱۹۲۳ در کشور آلمان رخ داد ؛ قیمت ها در این سال بطور متوسط ماهیانه ۵۰۰ درصد رشد می کردند.

موضوع اصلی این نوشته ، بررسی نرخ تورم در دوره خدمت دولت دوازدهم تا ۱۰۰ روز اول دولت سیزدهم جمهوری اسلامی ایران است.

دولت دوازدهم در تاریخ ۱۲ مرداد ماه ۱۳۹۶ کار خود را آغاز نمود.

نرخ تورم در آبان ماه این سال برابر ۷,۸ بود و تا بهمن ماه این سال ، روند افزایشی بود و عدد به ۸,۳ رسید. از اسفند ماه ۱۳۹۶ تا اردیبهشت ۱۳۹۷ ، شاهد کاهش در این نرخ بودیم و عدد به ۸,۰ رسید.

از خرداد ماه سال ۱۳۹۷ تا شهریور ماه سال ۱۳۹۸ ، روند افزایشی بوده و به عدد ۴۲,۷ می رسیدیم و از شهریور ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۳۹۹ روند نزولی بوده ۲۵,۸ جانشین نرخ های قبلی می شود.

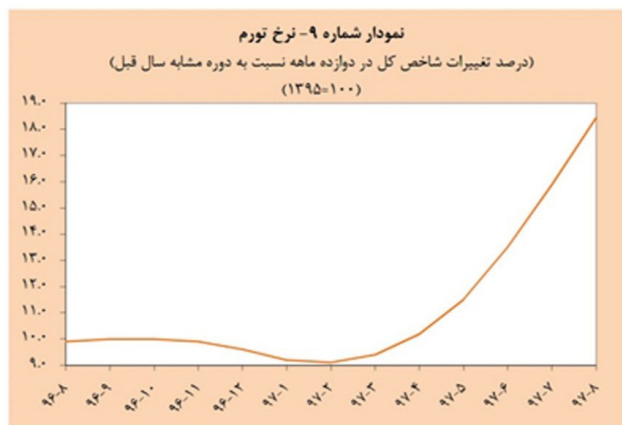
حال در ادامه شاهد این هستیم که تورم حالت افزایشی به خود می گیرد و تا خرداد و تیر ماه سال ۱۴۰۰ به اعداد ۴۳,۰ و ۴۴,۲ برخورد می کنیم.

از اینجا به بعد ، دولت سیزدهم تشکیل شده و از تاریخ ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ قوه ی مجریه ی کشور فعالیت خود را آغاز می نماید. تا مرداد و شهریور ، روند همچنان نزولی است و به اعداد ۴۵,۲ و ۴۵,۸ می رسیدیم.

اما نکته ی جالب اینجاست که دولت سیزدهم در خط مقدم مشکلات اقتصادی ، جدا از سایر مشکلات کشور ، چگونه با تورم مبارزه کرد و سیاست های درستی را در پیش گرفت که این روند حالت کاهشی به خود گرفته .

عدد از ۴۵,۸ به ۴۳,۴ رسید و در هر ماه ، شاهد کاهش بودیم.

متغیرهایی در ساختن تورم موثر هستند که دو مورد را در اینجا بررسی می کنیم. نقدینگی و پایه پولی. (نقدینگی) در اصطلاح به سهولتی گفته می شود که با آن می توان یک دارایی یا اوراق بهادار خاص را بدون تاثیر روی قیمت بازاری آن ، به وجوه نقد تبدیل کرد. نقدشونده ترین دارایی ، پول نقد است. (پایه پولی) در اصطلاح اقتصادی به مجموع مقدار پولی که به صورت گردش عمومی در دست



آن ها ، تلاش می کنیم که پایه پولی افزایش نیابد و بدین وسیله تورم نیز کنترل شود.

طبق آمار سایت دولت ، در مرداد ماه سال ۱۴۰۰ نرخ رشد پایه پولی از رقم ۴۲٫۶ درصدی تیرماه به رقم ۴۲٫۱ درصدی مرداد ماه

رسید. روندی کاهشی که در پایان تابستان نیز تداوم یافت و به رقم ۳۹٫۵ درصدی رسید. در مهرماه ۱۴۰۰ نیز نرخ پایه پولی با کاهش نسبت به شهریور ماه ، به رقم ۳۶٫۴ درصدی رسید.

براساس اعداد و ارقام ذکر شده ، می توان اعتبار سیاست پولی اتخاذ شده ی دولت سیزدهم را در قبال کنترل تورم تایید کرد.

تداوم این روش را می توان در برنامه ی دولت در مواجهه با بودجه ی سال ۱۴۰۱ دید. طبق گفته ی رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، (استقراض از بانک مرکزی ، خط قرمز دولت سیزدهم است. نمایندگان در بودجه ۱۴۰۱ به این موضوع توجه کنند).

نگاهی به آثار تورم می اندازیم :

تورم وضعیت افرادی که درآمد ثابت دارند را بدتر می کند ، چرا که درآمد حقیقی آنها پایین می آید.

حالت دیگر این گونه است که میزان درآمد افراد افزایش می یابد ولی این افزایش ، کمتر از مقدارافزایش قیمت ها است و بازهم وضعیت اقتصادی افراد مذکور نابسامان خواهد بود.

تورم ، آثار روانی ، سیاسی و اجتماعی دیگری نیز

مردم قرار دارد و نیز سپرده های جاری که در نزد بانک ها نگهداری می شوند ، می گویند. تفاوت میان این دو متغیر این است که نقدینگی مفهوم کلی تری است که از پایه پولی برگرفته شده.

با افزایش رشد نقدینگی و میزان پایه پولی ، شاهد رشد تورم خواهیم بود. طبق آمار سایت (اقتصاد نیوز) ، بالغ بر سیصد و هشتاد و شش هزارمیلیارد تومان معادل عدد ۳۸۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان چاپ پول در دهه ۹۰ شمسی رخ داده است. سیاست انتشار پول یا چاپ اسکناس ، روشی است که دولت در قبال کسری بودجه اتخاذ می نماید ؛ ولیکن این روش موجب افزایش نرخ تورم می شود. در واقع وقتی دولتی ، رقمی را از بانک مرکزی قرض می کند این پول وارد سیستم بانکی می شود و موجب خلق پول ۶ تا ۷ برابری می گردد. رشد نقدینگی ، قدرت خرید افراد جامعه را افزایش می دهد درحالی که در برابر این قدرت خرید ، تولید رشد نکرده و این فرآیند رشد تورم در کشور خواهد بود.

طبق آمار بدست آمده ، در سال ۱۳۹۹ ، رشد نقدینگی بالغ بر ۴۰ درصد برآورد شد که این عدد در میان تمامی سال های دهه ۹۰ ، رکورد دار بود.

نتیجه می گیریم که براساس اعدادی که درباره ی نرخ تورم و رشد نقدینگی بیان شد ، سیاستی که دولت در قبال کسری بودجه ی اتخاذ کرده بود ، آمار در سال ۱۳۹۹ به بالاترین میزان خود رسید.

بررسی ها نشان می دهد که عملکرد دولت سیزدهم در خصوص تورم ، اثر کاهنده ای بر رشد نقدینگی و پایه پولی داشته. سیاست اتخاذ شده طبق گفته ی (علی صالح آبادی) ، رییس کل بانک مرکزی به گزارش (ایرنا) ، جلوگیری از اضافه برداشت بانک ها از منابع بانک مرکزی می باشد. طبق صحبت های ایشان دولت کسری بودجه دارد و درعین حال ، سازوکارهایی برای رفع کسری بودجه درنظر گرفته شده که طی اجرای



یا روند کاهشی ، تمایل افراد جامعه به زیر پا گذاشتن تعهدات ، زیاد می شود.چه بسا دیگر حاضر به پذیرش تعهدات بلند مدت نمی شوند.

در دوران تورم ، همه ی افراد جامعه ، چه کسانی که در حال سود هستند و چه کسانی که در حال ضرر و حتی افراد ایمن از آثار اقتصادی تورم ، همه و همه ، دچار نگرانی و عدم اعتماد به آینده می شوند.

امیدواریم که دولت سیزدهم با تمام قوای خویش از این مبارزه ی نفس گیر ، در پناه خداوند متعال ، زیرسایه ی ولایت فقیه و با تکیه بر حمایت مردم ، سربلند و پیروز بیرون بیاید.

ان الله مع الصابرين.

منابع :

سایت آمار ایران ، دنیای اقتصاد ، اقتصاد نیوز ، ایرنا ، سایت سرمایه گذاری آگاه

dolat.ir



خلاصه ای از سازمان مجاهدین خلق ( منافقین )

در جریان مبارزات اواخر دهه ۳۰ کمی تجربه سیاسی پیدا کرده بودند و به خیال خودشان بلد راه شده بودند به این نتیجه رسیدند که از جبهه ملی و نهضت آزادی که گروه انشعاب شده جبهه ملی بودند و کمی مذهبی تر خارج شوند و خود سازمانی با خط مشی مسلحانه تشکیل دهند . از این رو محمد حنیف نژاد ۲۶ ساله مهندسی کشاورزی و سعید محسن ۲۶ ساله مهندسی راه و ساختمان و عبدالرضا نیک بین رودسری ۲۳ ساله دارای تحصیلات نیمه تمام در رشته ریاضی که هر سه از شاگردان مهندس بازرگان به حساب می آمدند هسته اولیه سازمانی را تشکیل دادند که به اسم سازمان مجاهدین خلق ایران نام گذاری شد.

علی اصغر بدیع زادگان هم از اعضای سال های بعد سازمان بود که بعد از انقلاب به دلایل وجود اختلافاتی که منجر به جدا شدن نیک بین از سازمان شد و نام او از موسسان اولیه حذف شد نام بدیع زادگان را گذاشتند . اکثر افراد جذب شده در سازمان از اعضا یا سمپات های نهضت آزادی بودند که به تدریج از خط سیاسی آن ها جدا شده بودند و در مسیر خط فکری اصلی سازمان چاره

پیشگفتار: هر جریانی و سازمانی و یا ... در طول تاریخ به صورت ناگهانی و اتفاقی طبیعتا به وجود نمی آیند و یکسری اتفاقات و علل و حوادث ما قبل آن باعث ایجاد جریانات میشوند که ما در این نوشته میخواهیم نگاهی خلاصه وار به سازمانی داشته باشیم که از قبل از انقلاب یعنی سال ۱۳۴۴ آغاز به فعالیت کرد ولی در طی گذشت زمان و اتفاقاتی به یکی از منفور ترین گروه ها در بین ملت ایران مشهور شد تا جایی که معروف به منافقین شدند. این سازمان ؛ سازمانی نیست جزء ( سازمان مجاهدین خلق )

قضیه از آن جایی شروع شد که بعد از سرکوب مسلحانه و شدید رژیم پهلوی در جریان تظاهرات ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گروه های مبارز به طور رسمی به این نتیجه رسیدند که دیگر مبارزات صرف سیاسی و ... پاسخ نمیدهد و مبارزه مسلحانه تنها راه باقی مانده با رژیم است . در همین راستا سه نفر از اعضای سابق جبهه ملی دوم و نهضت آزادی که در جریان مبارزات اواخر دهه ۳۰ کمی تجربه سیاسی پیدا کرده بودند و به خیال خودشان بلد راه شده بودند به این نتیجه رسیدند که از جبهه ملی و نهضت آزادی که



را در مبارزه مسلحانه با حکومت پهلوی میدیدند. این گروه رویکرد جدیدی هم برای مبارزه داشتند و آن تأثیرپذیری از جنبش های انقلابی - مارکسیستی معاصر در سایر کشورها بود که به اعتقاد آن ها الگوی مناسبی بود. به هر روی فعالیت تشکیلاتی سازمان به طور رسمی از شهریور ۱۳۴۴ آغاز شد و موسسین آن در اقدام نخست به دلیل ناکافی بودن تفسیر رسمی از دین؛ با تشکیل گروه های بحث به تدوین ایدئولوژی دینی و سیاسی خویش پرداختند و تلاش کردند که کتاب ها و جزوه هایی را تهیه و تدوین بکنند که به عنوان متون آموزش در سازمان استفاده شود تا اعضای اضافه شده از همان ابتدا برنامه مشخص داشته باشند و مسیر اصلی را بدانند. میشود گفت که اینها از همان نخست تفکرات مارکسیستی خویش را هم داشتند درست است که عمدتاً از خانواده های مذهبی بوده اند اما اولاً در خانواده مذهبی متولد شدن دلیل کافی برای درست بودن همیشگی نیست و ثانیاً اینها از لحاظ سیاسی آموزش یافته و پرورش یافته جبهه ملی و نهضت آزادی بوده اند.

چند منبع مطالعاتی سازمان در اوایل: با توجه به اینکه بخش عمده ای از دانشجویان و افراد پیوسته به سازمان که از نهضت آزادی بودند؛ از نظر سیاسی - مذهبی پیرو تفکر رهبران نهضت آزادی مخصوصاً مهندس بازرگان و آیت الله طالقانی بودند و در این راستا نخستین کتابی که مورد توجه رهبران و اعضای سازمان قرار گرفت کتاب (راه طی شده) اثر بازرگان بود. و از جناب طالقانی هم آثاری مانند مالکیت در اسلام و حکومت اسلامی را مطالعه کردند.

در آن سال ها اعضای سازمان مجاهدین (منافقین) مانند بخش قابل توجهی از دانشجویان؛ روشنفکران و سیاسیون مخالف رژیم پهلوی به اندیشه مارکسیسم به دیده احترام نگاه میکردند و مبنای تفکرشان تحت تأثیر همان باور بود بنابراین سعی

کردند اندیشه های پرطرفدار مارکسیسم را با باور های اسلامی تلفیق کنند!!! اگر بگوییم که از اول هم لفظ منافقین برای اینها درست بوده اغراق نکرده ایم. منابع مطالعاتی مارکسیستی سازمان: کتاب هایی چون چه باید کرد؟ اثر لنین؛ خلقت انسان و قرآن و تکامل اثر یدالله سبحانی؛ چگونه میتوان یک کمونیست خوب بود؟ اثر شایوچی؛ آیا انسان زاده میمون است؟ اثر محمود بهزاد و.....

آثار تألیفی سازمان: اولین اثری که از سوی سازمان عرضه شد کتاب متدلوژی یا شناخت نوشته حسین روحانی بود که در طول سال های ۴۴ الی ۴۷ تدوین و تألیف شده بود و پر بود از دیدگاه های مارکسیستی و این کتاب بسیار مورد نقد و مخالفت شخصیت هایی چون امام خمینی و شهید مطهری و... شد. دومین اثر تدوین شده در سازمان کتاب راه انبیا؛ راه بشر نوشته محمد حنیف نژاد بود که رنگ و لعاب مارکسیستی داشت و سومین اثر تهیه شده در سازمان کتاب تکامل نوشته علی میهن دوست بود. کتاب مبارزه چیست؟ هم که نوشته نیک بین بود نخستین جزوه آموزشی سازمان هم به حساب می آمد. البته نیک بین در سال ۴۷ رسماً مارکسیست شد و از سازمان کناره گیری کرد.

در طول سال های ۴۴ تا ۴۶ سازمان از نظر تشکیلاتی فعال و اعضای جدیدی به آن اضافه شد و شروع به آموزش های سیاسی و اجتماعی کردند. در سال ۱۳۴۸ سازمان وارد مقوله آموزش نظامی شد و مجبور شدند با سازمان فلسطینی الفتح ارتباط بگیرند و آموزش های چریکی و مسلحانه ببینند. در اوایل سال ۱۳۵۲ بود که سازمان به طور کامل به مارکسیسم تغییر جهت پیدا کرد. ماجرا اینگونه شروع شد که در نیمه شب ۱۵ اردیبهشت ۵۲ تقی شهرام از اعضای زندانی سازمان به همراه حسین عزتی زندانی گروه مارکسیستی ستاره سرخ از زندان تازه تأسیس شده و



بعد از انقلاب رجوی و همفکرانش افراد آزاد شده و اعضای پراکنده گروه را به سرعت جمع کردند و در حقیقت دوباره این سازمان را به راه انداختند .

نخستین اقدام این سازمان در اوضاع آشفته روز های اول انقلاب اشغال محل بنیاد پهلوی بود که در خیابان ولیعصر قرار داشت . آن ها همچنین اقدام به ایجاد خانه های تیمی در سراسر کشور و جمع آوری اسلحه و مهمات و پنهان کردن آنها کردند .

آن ها اول از امام با عناوینی چون امام مجاهد اعظم و قاید پر افتخار و مجاهد آگاه یاد میکردند اما در عمل موضعی مخالف ایشان داشتند ؛ البته این روش آنها زیاد دوام نیاورد و بعد از آن که رهبری روحانیت و موقعیت آن در انقلاب قطعی و تثبیت شد ؛ با شعار مبارزه با ارتجاع اشخاصی مانند دکتر بهشتی و آیت الله خامنه ای و آیت الله رفسنجانی و ... را زیر فشار تهمت و بدگویی خود گرفتند . همین نقطه آغازی از فاصله گرفتن مردم با آنها شد و کار به جایی رسید که سازمان به طور علنی اعلام کرد که درگیری و تضاد اصلی اش با امپریالیسم آمریکا نیست بلکه با ارتجاع حاکم است و به طور صریح اعلام کردند در پی براندازی حکومت تازه تأسیس جمهوری اسلامی هستند . آن ها مدت ها به عنوان نیروی خودی در میان مبارزین مسلمان بودند و از وضع و موقعیت افراد

جدید ساری فرار کردند . تقی شهرام از خانواده ای غیر مذهبی بود و در دانشگاه از طریق دوستان به مبارزه گرایش پیدا کرده بود و پس از آشنایی با علیرضا شکوهی رهبر گروه ستاره سرخ سواد مارکسیستی خود را تکمیل کرد . سازمان سه شاخه شد که هر کدام به دست کسی اداره میشد . شاخه سیاسی تقی شهرام و شاخه نظامی بهرام آرام و شاخه کارگری مجید شریف واقفی . تقی شهرام با کمک بهرام آرام تلاش کردند سازمان را از دوگانگی ایدولوژی نجات دهند پس اقدام به در دست گرفتن کامل قدرت در سازمان کردند . او پس از کنار زدن فیزیکی شریف واقفی و مرتضی صمدی لباف به طور رسمی رهبری اصلی سازمان را در دست گرفت و مهم ترین هدفش مارکسیست کردن افراد و سازمان بود . این حرکت که به گوش برخی روحانیون رسیده بود به شدت مورد انتقاد قرار گرفت . بعد از دستگیری های گسترده ساواک در شهریور ۱۳۵۴ با همکاری وحید افراخته مرکزیت سازمان بیانیه ( اعلام مواضع ایدولوژیک ) را در مهر ۱۳۵۴ منتشر کرد .

سازمان مجاهدین خلق در زندان باز سازی شد و تلاش شد به همان ساختار فکری قبلی یعنی ساختار فکری التقاطی برگردد . این اقدام به رهبری فردی به نام مسعود رجوی در زندان انجام شد که جوان ترین عضو مرکزیت سازمان بود . او که در اردوگاه های الفتح فلسطین در اردن آموزش دیده بود اعضای باقی مانده سازمان را در زندان جمع کرد و دوباره فعالیت ها را آغاز کرد . او نگاهی شبه دینی داشت و معتقد بود اگر میان مبارزه و دین تضادی به وجود آید باید به مبارزه ادامه داد و کاری به دین نداشت . رجوی با روش خاص خود که کاملاً عین نفاق بود با مارکسیست ها مارکسیست بود و با مسلمانان ؛ مسلمان! . او به اعضای مارکسیست سازمان سفارش میکرد که مارکسیست بودن خودشان را اعلام نکنند و نماز بخوانند !! .

سازمان مجاهدین خلق ( منافقین ) بعد از سرنگونی حکومت پهلوی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی :

و راه نفوذ به نهاد های مهم ؛ اطلاعات کامل داشتند و همین نیز زمینه آغاز ترور مقامات کشور را فراهم آورد. آن ها طبق عادت و خط مشی گذشته خود تنها یک راه را برای رسیدن به قدرت میشناختند و آن هم مشخصا خشونت و اسلحه بود . در طول دو سال بعد از پیروزی انقلاب هر روز و در هر کجای کشور همراه با دیگر گروه های معاند ایجاد تشنج و آشوب کردند و حتی زمان آغاز جنگ با عراق نیز دست از آشوب برنداشتند و با اسلحه و ایجاد خانه های تیمی و ... همچنان ایجاد رعب و وحشت میکردند .

در روز ۲۸ خرداد ۱۳۶۰ که در روز قبلش مجلس به دلیل بی کفایتی بنی صدر او را از ریاست جمهوری عزل کرده بود ؛ سازمان منافقین بر مواضع قبلی خودش پافشاری و در بیانیه ای آغاز رسمی شورش مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی و یا اعلامیه جنگ تمام عیار علیه نظام جمهوری اسلامی را صادر کرد . بعد از برکناری بنی صدر ؛ اعضای این سازمان که در تهران و چند شهر دیگر به ۳۰۰۰ نفر میرسیدند دست به شورش مسلحانه و ایجاد خشونت در خیابان ها زدند . درگیری های زیاد مسلحانه و اقدام به بمب گذاری و ترور های گسترده توسط سازمان ؛ از فردای ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به طور رسمی آغاز شد . ترور های معروف آن ها مثل ترور شهید بهشتی و یا شهدای نخست وزیری و ... و ترور های خیابانی هم که نیاز به تعریف نداشته و واضح است .

در ۶ مرداد ۱۳۶۰ بنی صدر و رجوی با استفاده از عوامل نفوذی منافقین در نیروی هوایی از ایران فرار کردند . آن ها روز به روز به مردم کشی و خیانت های خود ادامه دادند و حتی با صدام متحد شده و علیه مردم و کشور خود جنگیدند !!!

آن ها اکنون نیز در کشور آلبانی به سر برده و گروهی میشود گفت فرسوده و مرده هستند و خیانت هایشان هیچوقت از یاد ها نمیرود .





بنگاه خودرو سازی داخلی در قسمت های تولید خودرو، تهیه مواد اولیه برای ساخت خودرو، و خدمات پس از فروش نهصد هزار نفر می باشد که عدم حمایت از این صنعت عظیم در کشور موجب افزایش نرخ بیکاری می شود.

در نهایت امر به عنوان یک توصیه سیاستی می توان گفت کار کارآمد ترین راه حل برای این معضل اقتصادی، رقابتی کردن بازار خودرو سازی است.

که رقابتی شدن این صنعت منجر به افزایش کیفیت و کاهش قیمت محصول می شود و در نتیجه موجب پیشرفت صنعت خودرو سازی و شکوفا شدن این صنعت در کشور ما می شود.

وقتی که این صنعت خودرو سازی در کشور ما توانست با خودرو سازان جهانی هم از نظر قیمت و هم از نظر کیفیت رقابت کند در این زمان است که با افزایش صادرات خودرو، درآمد های دلاری کشور ما افزایش پیدا می کند و این صنعت یک صنعت ارز آور برای ما می شود.

و این مهم جز با همت مسئولین و سیاست گذاران و شکستن انحصار مافیای خودروسازی ممکن نیست.

چندین سال است که دو شرکت خودرو سازی در ایران انحصار خودرو را در دست گرفته اند ولی شوربختانه پیشرفت چندانی در تولیدات آن ها مشاهده نمی شود. در طی چندین سال گذشته دائما پرسیده می شود چرا صنعت خودرو سازی ما پیشرفت نمی کند؟ اما این سوال اغلب بی پاسخ می ماند.

از نظر علم اقتصاد، انحصار موجب افزایش قیمت محصول می شود زیرا تولید کننده رقیبی برای محصول خود نمی بیند و سعی می کند کمتر تولید کند و با قیمت بالاتر به فروش برساند تا انحصارش از دست نرود. این دقیقا مسئله ی خودرو سازی در کشور ما است.

گاهی اوقات واردات خودرو های خارجی با کیفیت تر، به صرفه تر است برای مثال قیمت خودروی دنا پلاس در کشور ما تقریبا هفتصد میلیون تومان است در حالی که قیمت خودروی جک کا سون تنها هجده هزار دلار است یعنی با دلار بیست و شش هزار تومان معادل چهارصد و شصت و هشت میلیون تومان می باشد ولی خب کیفیت این کجا و آن کجا موضوع مهمی که در کشور ما باعث عدم پیشرفت صنایع ما می شود بحث تعارض منافع است.

مافیای خودرو سازی در کشور ما بسیار قدرتمند شده اند و اصلا پاسخگوی این همه کارشکنی نیستند. قیمت خودرو های داخلی نسبت به کیفیت آن ها بسیار نجومی و دلسرد کننده است.

جالب این جا است که با این قیمت های نجومی باز هم عرضه ی خودرو های داخلی بسیار محدود و با قرعه کشی انجام می شو و این همان عامل انحصار است که موجب می شود بنگاه های انحصاری مقدار عرضه را کاهش دهند تا انحصارشان در بازار از دست نرود.

باید در نظر داشت که تعداد کارگران و کارمندان این دو



شکست. شما ثابت کردید که نه، می شود! می شود با آمریکا هم طرف شد و می شود که لانه جاسوسی آمریکا هم تصرف کرد، می شود جاسوس های آمریکائی را هم گرفت و نگه داشت و حفظ کرد.

شما این را ثابت کردید به دنیا. آن عظمتی که از آنها به واسطه تبلیغات زیادی که داشتند، در دنیا سایه افکنده بود که ابر قدرت است و کسی حق حرف زدن ندارد، آن شکسته شد.

۲. صف آرایی در برابر نمایش قدرت آمریکا امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است، که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی آمریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود.

۳. تحول به ملتی حاضر در صحنه ما اگر فایده ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم، همین حضور ملت با همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور همه اینها، یک معجزه ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد و این یک هدیه الهی است که بدون اینکه دست های بشر در آن دخالت داشته باشند، خدای تبارک و تعالی به ما اعطا

دهه فجر امسال هم مانند سابق با استقبال برخی و بی میلی برخی دیگر از راه رسید و با راهپیمایی متاثر از پاندمی و ویروس منحوس این روزها در جعبه خاطرات قرار گرفت تا ۳۶۵ روز بعد...

استقبال انهایی که برای به ثمر رسیدن درخت انقلاب خون دل خوردند و بی میلی کسانی که برای از پا افتادن این درخت ذره ای از خباثت و دسیسه دریغ نکردند.

این بی میلی نوع دیگری هم داشت... بی میلی عده ای هم از سر ندانم کاری های افرادی نشات می گرفت که راه را گم کرده اند.

یا شاید بهتر است اینطور بگوییم که راه را باید گم میکردند... راهی که از سال ۱۳۴۲ و شاید قبل تر از آن هم زمزمه شروع و تداومش در بین جوانان و مردم شنیده میشد.

انقلاب ایران از همان زمان آغازش خط مشی ای مشخص و اهدافی از قبل تعیین شده داشت. به بخشی از آن هدف ها رسیدیم و بخش های دیگر را در تاریکی خودخواهی و مصلحت اندیشی های پوشالی گم کردیم.

مردم ایران خیلی وقت است خودشان را ثابت کرده اند و مدت زیادی است که مهلت داده اند برای اثبات رجالی که در راس امور جمهوری اسلامی سکان گزیده اند.

بنیانگذار این راه آقا روح الله خمینی (ره) چندی بعد از پیروزی انقلاب از دستاورد های این واقعه فرموده اند که بدون دخل و تصرف ذکر میکنیم که راه مواردی از آنها بعد از گذشت ۴۳ سال همچنان ادامه دارد:

۱. شکستن ابهت پوشالی ابرقدرتها  
شما بدانید که این نهضت ملت ایران، این عظمت قدرت های بزرگ که با تبلیغات تحمیل کرده بودند بر دماغ ها، که اصلا نمی شود با انگلستان در افتاد، حالا هم دیگر اصلا با آمریکا نمی شود دیگر در افتاد، این عظمت را





دست قلدرها به دست ملت افتاده است، آنهایی که از خود ملت اند.

### ۳. سیاست دفاع از پابرهنگان

خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیای و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند! معاذالله که این با سیره و روش انبیای و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است.

### ۴. تلاش برای فقرزدایی

مسئولین محترم کشور ایران علی رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بریندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند

هدف از بیان این دستاورد ها یادآوری ای بود برای گمشدگان از راه انقلاب و انقلابی گری؛ انقلابی که برای مردم و مستضعفین بود

که به نقل قول از شهید بهشتی عزیز آفتش این است که دچار بازیگرانی بشود که اسلام و انقلاب را به دکان تبدیل کنند.

فرموده است.

### ۴. استقلال سیاسی

امروز ، ایران اسلامی به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقشار مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگل های منحرف را از کشور خود کوتاه و به هیچ قدرتی اجازه نمی دهد کوچکترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید.

### ۵. تحرک بانوان در فعالیتهای سیاسی اجتماعی

انانی که در گوشه و کنار به گوش اشخاص می خوانند، که این انقلاب کاری انجام نداد، اینها اشخاصی هستند که این تحولی که در شما پیدا شده است چون مضر به حال آنها و قدرت های چپاولگر است، این را چیزی حساب نکنند و با تبلیغات سوئشان بخواهند به شما بباورانند، که چیزی نشده است. چه بهتر از این که در یک همچون جلسه ای که شما بانوان هستید و فعالیت اخلاقی و زحمت های همه جانبه برای مستمندان و برای آوارگان می کشید. از این تحول بهتر چه اگر در رژیم سابق بود، نه این اجتماعات بانوان بود و نه این فعالیت همه جانبه آنها که نیمی از جمعیت در ایران هستند و این نیم آن نیم دیگر را هم تربیت می کند.

ولی در این میان عناوین دیگری از دستاورد های انقلاب اسلامی هم هست ، که از نه خبری از آنها داریم و نه آقایان سراغی از آنها میگیرند.

### ۱. شکل گیری نهادهای اسلامی و مردمی

این از برکات نهضت است، برکات اسلام است که همه نهادهایشان اسلامی و مردمی است.

### ۲. روی کار آمدن مسئولانی مردمی

من وقتی که متصدیان امور ایران را، همه، چه آنهایی که در خارج هستند، چه اینهایی که در داخل هستند، می بینم و مقایسه می کنم با متصدیان امور در سابق، زمان قاجار، من آنوقت هم یادم هست و زمان رضاشاه و زمان شاه و اینها، احساس می کنم که واقعا یک تحول عظیمی پیدا شده است در ایران یعنی کار از





ایشان در جهان اسلام بود.

حاج قاسم شاگرد اتمّ مکتب امام(ره) و پیاده‌کننده نظر امام(ره) در عرصه جهاد و مبارزه و مقاومت اسلامی بود، مقاومت اسلامی، هم اسلامی است و هم مردمی. مقاومت مورد نظر امام خمینی(ره) کاملاً اسلامی و متکی بر توان و ظرفیت مردم است. طرح امام(ره) در مقابل طرح‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه بود که رویکردهای غیرمردمی و متکی به دولت‌ها دارد که نه برآمده از ملت هاست و نه از عقبه اجتماعی در میان مردم بهره‌مند است؛ در حالی که طرح اسلامی امام(ره) متکی به مردم و توده‌هاست و حضرت امام(ره) آن را تبدیل به گفتمان با کسانی نظیر شهید سلیمانی کرد.

حاج قاسم انسان مؤمن، مجاهد مخلص و صادق در برابر خداوند متعال بود او دارای اخلاص در حمایت از آرمان فلسطین و دفاع از ملت مظلوم فلسطین و مقابله با اشغال‌گری و صهیونیسم بود و اولویت ایشان مقاومت و جهاد برای تحقق اهداف امت اسلامی بود.

ویژگی مهم حاج قاسم این بود که امر ولایت را حجت شرعی و مسیر جلب رضایت خدا می‌دانست و این را

در ابتدا درود می‌فرستیم به روح پاک همه شهدای انقلاب اسلامی، شهدای جنگ تحمیلی، شهدای علمی و هسته‌ای و شهدای مدافع حرم و همچنین شهدای مقاومت در اقصا نقاط عالم بالاخص روح بلند و ملکوتی شهید حاج قاسم سلیمانی شخصیت و چهره بین‌المللی جبهه‌ی مقاومت...

همه می‌دانند که حاج قاسم شخصیت تأثیرگذاری در کل منطقه و بر کل منطقه بود و دشمن تصور می‌کرد با ترور او می‌تواند از این همه تأثیرگذاری جلوگیری کند، در حالی که حاج قاسم، تربیت یافته انقلاب اسلامی و تربیت یافته مکتب امام خمینی (ره) است این مکتب اصیل، مکتب عدالت‌خواهی و زیر بار زور نرفتن و زیر بار ظلم و ستم نرفتن و مکتب حق‌گرایی و مکتب ضدیت با استکبار است که این مکتب، امروز در سراسر جهان پیروان فراوان و بی‌شماری دارد.

شاید مهم‌ترین ویژگی حاج قاسم، شناخت عمیق او از مکتب امام خمینی (ره) و ایمان و اعتقاد راسخ به مسیر امام و رهبری بود. حاج قاسم تجسم عملی راهبردها و سیاست‌های رهبر عزیز انقلاب و مجری سیاست‌ها و اهداف

سرمایه اصلی برای موفقیت‌ها می‌دید.

حاج قاسم بینش عمیقی در شناخت دشمن و استراتژی منطقه‌ای و جهانی داشت؛ شناخت عمیق حاج قاسم از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های عظیم جبهه مقاومت و مرعوب نشدن در مقابل ابزار نظامی و ماشین جنگی دشمن بود که باعث می‌شد، حاج قاسم عملیات‌های بزرگی علیه دشمن صهیونیستی و عوامل آمریکایی در منطقه طراحی و اجرا نماید.

بسیاری از آزادگان عالم، پیام شهید سلیمانی را دریافتند و لذا ما امروز با چهره‌هایی بسیار مصمم‌تر و استوارتر در مبارزه با استکبار مواجهه‌ایم و اینها همه به برکت خون پاک شهید سلیمانی است.

امروز دوست و دشمن بعد از گذشت یک سال از شهادت او به این نکته اذعان دارند که حاج قاسم شهید برای دشمن بسیار خطرناک‌تر از خود حاج قاسم است.

تأثیر آن در داخل ایران این بود شهید سلیمانی را به مردم شناساند و مردم را با هر فکر، ایده، مرام و مسلک، هر گرایش سیاسی و اعتقادی متأثر کرد؛ برخی اصلاً داخل ایران نبودند با نظام سیاسی همراه نبودند ولی به عنوان افرادی میهن‌پرست و وطن دوست و ملی‌گرا از این مسأله متأثر شدند و همه حول محور ایشان جمع شدند و حاج قاسم محور وحدت شد.

طیف کسانی که در شبکه‌های اجتماعی، نسبت به ایشان اظهارنظر کردند ابراز علاقه و ابراز ارادت کردند را ببینید این طیف خیلی متنوع است؛ پس حاج قاسم محور وحدت ملی شد با اینکه دشمن در سال‌های قبل داشت مقاومت را به عامل اختلاف ملی در ایران تبدیل می‌کرد. وقتی شعار نه غزه نه لبنان سر داده می‌شد، دشمن به دنبال تفرقه و اختلاف بر سر این مسأله بود، دشمن تمام تلاشش را کرد که بین ایران و مقاومت فاصله بیندازد، دشمن تمام تلاشش را کرد که بگوید میان منافع ملی ایران و جبهه مقاومت

تعارض وجود دارد، در حالی شهادت شهید سلیمانی اینها را ممزوج کرد حالا همه افراد و آن همه طیف‌های متنوع، دور نماد مقاومت، فرمانده مقاومت، سردار مقاومت دست در دست هم جمع شده بودند.

شهید سلیمانی در منطقه ایثارگرانه برای حفظ امنیت تلاش می‌کرد، برای امنیت زنان منطقه ما و برای امنیت کودکان منطقه ما و برای امنیت خانواده‌های منطقه ما؛ حاج قاسم خدمات فراوانی به ملت فلسطین، ملت لبنان، ملت سوریه، ملت عراق، ملت افغانستان، ملت یمن و سایر ملت‌های مسلمان ارائه کرد و برای ایجاد امنیت در این کشورها، مخلصانه جهاد کرد.

آمریکا، حاج قاسم را بر هم زننده راهبردهای منطقه ای خود یعنی راهبرد تقویت رژیم صهیونیستی، راهبرد اختلاف‌افکنی میان کشورهای اسلامی و سیاست دعوای مذهبی و جنگ شیعه و سنی می‌دانست؛ لذا ترور حاج قاسم با هدف برداشتن مانع تحقق اهداف آمریکا و صهیونیسم انجام شد.

یکی از اقدامات مهم حاج قاسم این بود که ایشان همه مجموعه‌های مجاهد و مبارزین را ذیل پرچم مبارزه با صهیونیسم منسجم و یکپارچه نمود به طوری که هویت اصلی همه نیروهایی که با ایشان کار می‌کردند اعم از عراقی، لبنانی، افغانستانی، سوری و یمنی و... مخالفت با صهیونیسم و ضدیت با اسراییل بود. این مسأله به هویت آنها تبدیل شده بود و به طور خاص این شهادت، عامل وحدت ایران و عراق شد؛ خون حاج قاسم و خون ابومهدی المهندس در هم ممزوج شد و پیوند خورد.

در سال‌های اخیر دشمن داشت یک جریان ایران ستیزی در منطقه ایجاد می‌کرد ولی با شهادت شهید سلیمانی مسأله به طرف خودشان برگشت؛ در عراق داشت یک موج ایران ستیزی ایجاد می‌شد اما کنار رفت. شما ببینید برای تشییع حاج قاسم عراقی‌ها خودشان آمدند برای سالگرد ایشان دیدیم و دیدید و



دیدند همه که چه مراسمات باشکوهی برگزار شد. با اینکه در بُعد جهانی هم این خون برکات و تأثیرات زیادی داشت، همه ملت‌ها و گروه‌های آزادی‌بخش و همه عدالت‌خواهان به میدان آورد و همه علیه استکبار جهانی علیه آمریکا متحد شدند و امروز می‌بینیم که حاج قاسم فاتح بسیاری از دل‌ها و قلب‌ها در جهان است. صراطی که شهید سلیمانی ترسیم می‌کند همه آزادگان، آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان جهان را به طریق حق و حقیقت رهنمون می‌رساند. امروز با توجه به حاج قاسم همه متوجه این حقیقت شده‌اند که دوست واقعی کیست و دشمن واقعی کیست و ملت‌ها بیش از هر زمانی از استکبار جهانی تنفر دارند و اینها همه از ثمرات خون شهدا و به طور خاص ثمره خون حاج قاسم سلیمانی است. با شهادت حاج قاسم سلیمانی نه تنها خللی در جریان مقاومت ایجاد نشد بلکه می‌توان گفت این مکتب و این جریان، بارورتر، منسجم‌تر و مصمم‌تر شد و به طور خاص این شهادت، عامل وحدت ایران و عراق شد.

والسلام علیکم و رحمه الله

